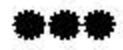


تربیت و تبلیغ دورکن تعالی جامعه

محمدعلی صدر شیرازی - اشاره: فرهنگ سازی اسلامی، تبلیغ دین و تربیت دینی اموری هستند که به نظر می رسد با گذشت حدود سه دهه از انقلاب شکوهمند اسلامی ایران هنوز از آسیبها و چالشهای مختلفی رنج می برند. شاید همگان در پاسخ به این سوال که در برابر حجمه تمام عیار فرهنگی دشمن تا چه توانسته ایم با تبلیغ دین و تربیت دینی جوانان را ایمن سازیم اتفاق نظر نداشته باشند اما در این امر شکی نیست که در این راه تا موفقیت هنوز فاصله وجود دارد گویی در امر موفقیت مطلوب تبلیغ و اطلاع رسانی دینی که از امکانات بسیاری از جمله رادیو و تلویزیون بهره مند می باشد، حلقه ای مفقوده وجود دارد. در همین رابطه با آیت الله نمازی از اعضای برجسته جامعه مدرسین حوزه علمیه به گفت و گو نشستیم.



- لطفا ارزیابی خود از اقدامات انجام گرفته در زمینه تبلیغ و اطلاع رسانی دینی را در سالیان پس از پیروزی انقلاب بیان فرمایید؟

مسئله تبلیغ و اطلاع رسانی دینی را باید ابتدا موضوع بندی کرد. یک محور تبلیغ داخلی است یک بخش هم تبلیغ خارجی. تبلیغ داخلی هم صورت و اشکال گوناگون دارد یکی از آنها همان روش و سیره سنتی گذشته که روحانیت شیعه در طول تاریخ از منبر و مراکز وعظ و نماز جمعه و منابر در ایام ماه محرم و ماه رمضان سوگواری و مذهبی، در مساجد، منازل و تکیا استفاده می کرده است. یک شکل دیگر که به اصطلاح استفاده از امکانات جاری روز است. مثل صدا و سیما، برنامه های هنری فیلم و تئاتر. باز همین تبلیغ هم در موضوعات مختلف است. تبلیغ صرف احکام است، یا بیان مسائل شرعی است، مسائل فقهی، حقوقی و سیاسی و... است. موضوعات متنوع است اینها هر کدام برای خودش یک روش و یک محدوده جغرافیایی خاص دارد. گاهی بحث تبلیغ است در عرصه جهانی و بین المللی و معرفی کردن اسلام واقعی و به تعبیر امام (ره) اسلام ناب، به دلیل اینکه در طول تاریخ تلاششان این بوده، که اسلام مسلمانان را به صورتی که تنها بعد فردی و شخصی دارد در آورند. این است که ضرورت دارد که الان که خداوند به ملت ایران این امتیاز را داده است که حکومت اسلامی را تشکیل داده و حاکمیت سرزمینی ایران در دست ولی فقیه است و باید چهره اسلام واقعی و احکام اسلام به خوبی در ابعاد اجتماعی، سیاسی، حقوقی برای دنیا معرفی شود. به خصوص برای نسل جامعه اسلامی که اینها بدانند که یک پیشینه درخشان و ارزشمند محکم و متکی بر وحی و براساس شریعت الهی و آسمانی داشته اند. اینها ابعاد مختلفی است که هر کدام شرایط خاص خود را می طلبد من فکر می کنم که در سالیان پس از انقلاب اقدامات بسیار زیاد و موثری صورت گرفته است، اما ما نتوانسته ایم از تمام ظرفیتهای و قابلیتها استفاده بکنیم. ما به یک بازنگری در این عرصه نیاز داریم. باید یک مجموعه ای از خبرگان عرصه تبلیغات اسلامی راهی که در این سال طی شده است را بررسی کنیم و از سویی ظرفیتهای و امکاناتی که در اختیار جمهوری اسلامی هست را نیز محاسبه کنیم و تطبیق کنیم با راه طی شده، یعنی ببینیم آیا ظرفیتی

که داشته ایم را پر نموده ایم و یا جاهای خالی ای وجود دارد که استفاده نشده است. یکی از امکانات مهم و پیشرفته ما همان صدا و سیماست که باید متکی بر کارشناسان حوزه وی و دانشگاهی باشد که خوراک صدا و سیما را تامین کنند امروز شما می بینید که شبکه های مختلف ضمن اینکه برنامه های مفیدی ارائه می کنند، به دلیل نداشتن برنامه و خلاء ها و کمبودها از برنامه هایی استفاده می کنند که نه تنها مفید نیست بلکه مضر نیز هست و اثر برنامه های خوب پخش شده را نیز خنثی می کند. این در حالی است که امام خمینی (ره) آن را یک دانشگاه بزرگ نامیده اند. همچنین تریبون نماز جمعه که شما می بینید که در شهرهای مختلف مردم زیادی در نماز جمعه ها گرد هم می آیند در خطبه های نماز جمعه اگر واقعا از تمام ظرفیتهای استفاده شود و خطیبان نماز جمعه در خصوص خطبه ها کار کارشناسی انجام دهند و بر اساس نیازها و مقتضیات زمان و نیازهای سنی مخاطبان خطبه هایی ارائه دهند که هم روان باشد و هم پر محتوا باشد. مختصر باشد و رعایت حال مخاطبان را نیز بنماید، قطعا گرای و تاثیر خطبه های نماز جمعه بیش از این خواهد بود. خوب این شارع مقدس که دستور به اقامه نماز جمعه داده است یک فلسفه ای را مد نظر داشته است. اینکه هفته ای یک بار همه آنها را که تا شعاع یازده کیلومتری محل نماز جمعه ساکن هستند، بر تمام اینها واجب است در زمان حضور امام (ع) در نماز جمعه حضور داشته باشند تا هم نسبت به مسائل اخلاقی و معنوی توجیه شوند و هم با مسائل سیاسی روز و رویدادهایی که جامعه اسلامی با آن مواجه می شود و اتخاذ تدابیر مناسب در قبال آنها آشنا شوند. این است که ضمن تایید کارهایی که انجام شده و تشکر از کسانی که متصدی امور بوده اند عرض می کنم که ما نیاز به یک بازنگری کارشناسانه ای داریم، که

ضمن اینکه پرونده و عملکرد گذشته را بررسی کنیم و ظرفیتهای این سنجم، با دقت نیازهای داخلی کشور و نیازهای جهان اسلام را ارزیابی کنیم و متناسب با این نیازها، سرمایه گذاری و سیاست گذاری کنیم و این سیاستها را اعمال و اجرا کنیم.

- به هر حال شکی وجود ندارد که با وجود تمام ضعفها تبلیغات دینی به گستردگی در کشور انجام گرفته است اما خروجی آن متناسب با هزینه های مادی و غیر مادی صرف شده نبوده است؟

بلی. ببینید یک وقت است که منظور ما از تبلیغ، تربیت است. در این صورت ما باید یک روشهای خاص تربیت را مد نظر قرار دهیم. اما تبلیغ در کل یعنی ابلاغ دین، یعنی مطالب و احکام الهی را به جامعه و افکار عمومی برسانیم. تبلیغ با تربیت متفاوت است. هر چند که تبلیغ هم مرحله ای از تربیت است، اما تربیت کاری تخصصی است که در جایگاه خودش باید انجام گیرد. برای تحقق امر تربیت باید برویم سراغ خانواده ها یعنی اول باید محیط خانواده ها را سالم سازی کنیم. پس از آن محیط آموزش و پرورش را که پس از خانواده بیشترین وقت را از نوجوانان می گیرد که پس از آن نیز وارد دانشگاه می شوند. اینها جدای از تبلیغ است.

تبلیغ یعنی اطلاع رساندن و رساندن احکام دین به مردم البته قدر اشتراکاتی نیز با مساله تربیت دارند و در جاهایی به هم می رسند. پس به طور خلاصه نمی توان نتیجه گرفت که اگر انحرافات در جامعه مشاهده می شود باید مستقیما و تنها به سراغ بحث تبلیغ رفت.

- تقسیم بندی شما کاملا منطقی است اما به هر حال جامعه ای که تمام رسانه هایش جرثومه اتذال باشد یعنی جامعه ایران در زمان پهلوی و جامعه ای که قاطبه رسانه هایش سالها به تبلیغ دین و تربیت جوانان پرداختند یعنی جامعه ایران پس از انقلاب نباید از هیچ جهتی شبیه بهم باشند. و با وقوع انقلاب اسلامی انتظار یک انقلاب در فرهنگ اسلامی نمی تواند توقع زیادی باشد. انقلابی که بعید می دانم شما تحقق آن را در این سالهایی که تاکنون پس از پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی گذشته است را تایید کنید. با فرض این مساله چرا به میزانی که در محتوای رسانه ها انقلاب رخ داده است به همان میزان در جوانان و کل جامعه ما این انقلاب روی نداده است؟ درست است فرهنگ سازی با شنیدن مطالب و حتی دانستن مطالب متفاوت است. آنچه که نقش تعیین کننده در مسائل اجتماعی دارد فرهنگ سازی است. یعنی ما مثلا در بحث تربیت فرزندان، تنها با دانستن یک سلسله مسائل نمی توانیم لزوما تربیت کاملی داشته باشیم. شنیدن برخی مطالب از صدا و سیما با وعظ و خطبای جمعه، نمی تواند علت تامه تربیت باشد.

- ولی شرط لازم آن است؟
بلی اینها ابزار است. مهم فرهنگ جامعه است و بستری که جامعه در آن قرار دارد باید به سمت این مسائل اصولی و توحیدی حرکت کند و الا صرف اینکه یکسری داده های دینی به جامعه انتقال داده شود در حالی که زمینه و فضا در جامعه مناسب و فراهم نیست، فضای خانواده فضای مناسبی نمی باشد، هماهنگی و همسویی بین والدین وجود ندارد، پدر و مادر هر یک روحیات و روش خاص خود را دارد، طبیعی است که فرزندی که در این فضا رشد می کند با تضاد مواجه خواهد شد. این مسائل احتیاج به فرهنگ سازی دارد. مثلا فرض بفرمایند مادر از لحاظ آموخته ها مشکلی ندارد و می داند با فرزند چگونه رفتار کند اما پدر خلقیاتی متفاوت دارد و رفتار مادر را خنثی می کند در اینجا فرزند بین دو راهی قرار می گیرد. نمی داند حرف پدر صحیح است و یا حرف مادر و دیگر وی نمی داند خودش را با کدام سو تطبیق دهد. بنابراین باید چیزی که در کلیه مسائل می تواند تاثیر بگذارد و فرهنگ حاکم است و آن فرهنگ حاکم مطلوب را برای تربیت فرزندان فراهم ساخت. فرهنگی که به ترتیب باید در خانواده، آموزش و پرورش و دانشگاهها اصلاح گردد اینها همه باید با هم همسو باشند و گرنه اگر اینها با هم هماهنگ نباشند، کار همدیگر را خنثی می کنند.

- خب از صحبتهای شما می توان نتیجه گرفت که در امر تبلیغ که به نحو مستقیم تری به حکومت اسلامی و روحانیون مربوط است کارهای زیادی صورت گرفته است که البته نقص هایی هم مشاهده می شود. اما در مقوله

تربیت که متولی مستقیم آنها خانواده ها هستند پس از انقلاب اسلامی، انقلابی روی نداده است. برای حل این مشکل متولیان امر چه وظیفه ای دارند؟

تربیت دقیقاً یک مفهوله کارشناسی و عملی است. و این احتیاج به ظرفیتهای امکانات متناسب با خودش دارد. صرف آگاهی داشتن کافی نیست. در مساله تربیت والدین تقریباً در خط مقدم هستند. این والدین الان در جامعه ما و بر اساس روانی که وجود دارد در مواقع ازدواج در خصوص نحوه تربیت فرزند توجه نمی شوند. کلاس خاصی که در این زمینه باید شرکت کنند. وجود ندارد. در جامعه افراد برای انجام کوچکترین کارها باید آموزش ببینند کسی که می خواهد در بخش خدمات الکترونیک فعالیت کند، نجاری کند، مکانیکی کند باید آموزش ببیند و با حتی بعضی از موسسه های آموزش فنی و حرفه ای مدرک داشته باشد. این در حالی است که چنین افرادی در قیاس با بحث ما با ابزارهایی ساده مثل فرمان و کلاچ و ترمز سر و کار دارند اما باید ماهها آموزش ببینند. آن وقت در خصوص مساله تربیت که با روح انسان، جان انسان، منش و شخصیت انسان سر و کار دارد جوانان ما کجا آموزش می بینند. آیا شما سراغ دارید؟ آیا نهادی متصدی این امر هست؟ اگر هم زوجهای جوان دانسته های دارند، عموماً از شنیده های پراکنده ای است که از والدین خود و یا منابع شنیده اند. در این قسمت واقعا اخلاقی جدی احساس می شود. تربیت کار انبیا است. خداوند انسانهای بزرگی را برای این کار بزرگ مأمور نموده است. آن وقت این کار بزرگ در جامعه ما با نابسامانی مواجه است. هر چند که چون جامعه ما به طور سنتی جامعه ای مذهبی و دینی است تاکنون عوارض این نابسامانی کمتر بوده اما در این دنیای پیچیده و پیشرفته ارتباطات که نشأت گرفته از گسترش ماهواره ها، اینترنت و... در جهان است، اگر یک جوان از لحاظ تربیتی با خلالتی مواجه باشد، بسیار آسیب پذیرتر از گذشته خواهد بود.

بدون شک مهم ترین گام در تعالی اسلامی یک جامعه تشکیل حکومتی اسلامی است. اما به عنوان مثال در ایران و در خبیاینها با مشاهده بسیاری از مادر و دخترها که نماینده دو نسل هستند می بینیم مقوله حجاب از نسل اول به نسل دوم به خوبی انتقال نیافته است. این در حالی است که همانگونه که اخیراً خبر آن در رسانه ها انعکاس یافت گرایش به حجاب در ترکیه که کشوری لائیک است رشد خوبی داشته است؟
در این مثال باید فضاها را با هم مقایسه کنیم. علت اینکه در کشور ما نسبت به وضع حجاب افکار نگرانی می شود، این نیست که اکثریت مردم مانی حجابند. اتفاقاً اکثریت حجاب دارند. اما چون جامعه ما یک جامعه از زنی به تمام معناست، یک جامعه انقلابی است، یک جامعه معنوی و اسلامی است، بدحجابی به هر میزان که باشد انعکاس می یابد و شان و جایگاه جامعه اینست افراد به حجاب پایبند باشند. به همین دلیل اگر تعدادی پیدا شوند که حجابشان ضعیف باشد، چون این خلاف توقع و انتظار است، این یک دفعه موج ایجاد می کند، چون غیر منتظره است بازتابش زیاد است. اگر بخواهیم مثال بزنیم، اگر از یک شخصیت بزرگی خطایی سر بزند، این در جامعه منعکس می شود. اما گاهی یک جوان یا جوانی اشتباه کند. این خیلی بازتاب ندارد. می گویند جوان بوده و اشتباه کرده، علت اینکه نگرانی در مورد حجاب در کشور ما زیاد است به علت و الا بودن شان در جامعه ما است و نه اینکه اکثریت جامعه به دامان بی حجابی

افتاده اند. اما در جامعه غیر دینی و غیر ارزشی دقیقاً وضع برعکس است اگر عده ای به حجاب متعهد باشند ولو اینکه یک چهارم و یا یک پنجم جامعه باشند، باز تاب بین المللی می یابد. چون این حجاب بر خلاف موج حاکم می باشد، بر خلاف زوال حاکمیت است. در ترکیه حاکمیت در دست لائیکهاست. اینست که وجود چنین گرایشهایی باز تاب وسیعی دارد.

- با تمام این احوال در همین مساله «اطلاع رسانی» نیز حداقل در مقوله حجاب کم کاری داشته ایم.

خب بنی. در این قسمت خلأ وجود دارد. یعنی این حجاب آثار حجاب، برکات حجاب و زیانهای بی حجابی باید به صورت علمی و کارشناسانه باید در دبیرستانهای دخترانه و در دانشگاههای دانش آموزان و دانشجویان، تهیه و تفسیر شود. این طور نیست که حجاب حکمی تعبدی باشد و آثار فردی و اجتماعی ملموس نداشته باشد. در کلاسها باید بحث شود که دلیل حجاب چیست. اولاً حجاب اختصاص به شیعه ندارد از ضروریات اسلام است همه فرق اسلامی نسبت به حجاب پایبند هستند. دلیلش هم این است که الزام و ضرورت حجاب ریشه ای آسمانی دارد که خداوند در قرآن بدان تصریح دارد و آنچه که در قرآن به عنوان واجب مطرح شده است ضروری اسلام به شمار می رود. مثل نماز است. مثل حج است. شما هیچ فرقه اسلامی را نمی توانید بیابید که در امر حجاب و وجوب آن تردید و تشکیک کرده باشند. برخی می گویند که دلیل حجاب چیست؟ البته حجاب دلیل دارد، اما باید پرسید که دلیل بی حجابی چیست. بی حجابی دلیل می خواهد. چون پوشش مطابق با اصل است. برهنگی دلیل می خواهد. اگر به تاریخ و جامعه شناسی جوامع و دینان نگاه کنید و یا اینکه حتی به همین فیلمهایی که پخش می شود نگاه کنید می بینید که پوشش، از قدیم الایام در سنین مختلف من جمله هندو، بودایی و... وجود داشته است. این نشانگر گرایش فطری انسان به پوشش است. این است که مدعیان برهنگی

باید استدلال آورند. هر چند که مجدداً عرض می کنم که استدلالات بسیار محکمی در تأیید حجاب وجود دارد که باها ذکر شده است.

- یکی از معضلاتی که فرهنگ مذهبی در کشور ما با آن مواجه است معنویت گرایی منهای شریعت محوری می باشد. یعنی عده ای از مردم در زمینه شور مذهبی و ضمیمت مناسبی دارند. فعلاً نه در عبادتیه ها و... شرکت می کنند اما این شور و معناگرایی را از شریعت محوری جدا نموده اند. در این خصوص چه نظری دارید؟
شعارها زمینه ساز تحقق شعور و ارزشها می باشند. به عنوان مثال فلسفه بزرگداشت عبادت برای امام حسین (ع) این است که قیام عاشورا یک حرکت حیاتی برای احیای امر توحید و باورهای دینی بوده است. خود امام حسین (ع) می فرمایند که قیام من برای احیای امر به معروف و نهی از منکر می باشد. اصل احیای اصول اسلامی است. منتها این اصل اگر بخواهد در جامعه مطرح گردد باید در قالب شعارها و نمادها باشد که در طول تاریخ بهمانند. بنابراین این پوسته این قضیه است. مغز این حرکت گرایش به خداست. خود امام حسین (ع) که قیام نمود برای این است که دستگاه حاکمیت طاغوت در عصر ایشان به دنبال این بود که دین از بین برود و دیگر صدایی از توحید و نبوت در تاریخ به جای نماند و امام حسین (ع) برای حفظ توحید و نبوت و معاد حرکت کردند. منتها این حرکت برای

باقی ماندن در تاریخ و بر اساس تأکید ائمه علیهم السلام و حتی خود ذات مقدس خداوند، نیاز به انگیزه ها و توجهات عالی دارد که عبادت را و گریه و حتی تباکی برای امام حسین (ع) مصداق آن می باشد و ثوابهای بسیاری بر آنان مترتب شده است. هزینه هایی که در این راه خرج می شود در قیامت مورد حساب و کتاب قرار نمی گیرد. اما این شعارها مقدمه است برای حفظ و تعالی شعور. اما این مقدمه نباید طولانی تر از ذی المقدمه شود. نباید به آن توقف نمود تا از اصل بازماند و گریه مانند این است که ما ضرورتاً آن قدر طول دهیم که از نماز بهمانیم در حالی که و نمو بر این نماز است. متأسفانه نتیجه توقف و در برخی موارد افراط در شعارها همان است که اشاره فرمودید.

متأسفانه این مساله مهم در کشور ما رعایت نمی شود. بسیاری در مراسم های بینیم که عمامه تأکید بر همین شعارهاست و اکثر وقت را به خود اختصاص می دهد. آنگاه وقتی تربیت به سخنرانی عالمی می رسد که مردم را با فلسفه عاشورا و احکام دین و شعور دینی آشنا کند افراد دیگر حوصله گوش دادن ندارند و افراد منتظرند کی مراسم آغاز می گردد. بنابراین متولیان امور فرهنگی در جامعه و مسئولان و متولیان مراسم دینی باید در این روش تجدید نظر کنند. و آنگونه برنامه ریزی کنند که مراسم دینی ما کلاسی پر بار جهت آموزش اصل دین و شعور دینی باشد. عبادت را هم لازم است. نسک غذاست اما در نمک نباید افراط کرد که غذا از حیز انتفاع ساقط گردد.

- به عنوان آخرین سوال لطفاً بفرمایید که مهمترین کلید و اژه و نقطه اتکا در امر تربیت نسل شیعی چه می باشد؟

آنچه در آیات قرآنی و سیره و سلوک ائمه علیهم السلام مشهود می باشد، این است در تربیت فرزندان مکتب و ولایت چیزی که از همه مهمتر است بالا بردن سطح معرفت است. در این مقوله نیز دو عنصر اهمیت بسیار دارند معرفت به مبدا اعلی و خداوند سبحان، و معرفت به معاد. این دو عنصر، عناصر اصلی و تعیین کننده در مساله تبلیغ و تربیت است. اگر در حوزه های آموزشی، جوانان و نور جوانان را متوجه مساله مبدا شناسی و معاد شناسی سازند، باب بالا رفتن معرفت نسل جوان باز خواهد شد و به تبع این معرفت، معرفت نسبت به مسائل دیگر هم باز خواهد شد. اما وقتی معرفت به ذات ربوبی «جل و اعلی» و معاد کم رنگ باشد، پایبندی به سایر مسائل نیز به همان میزان کاهش می یابد. بنابراین به نظر من بهترین روش در تربیت نسل شیعی همان راهی است که قرآن و ائمه اطهار (ع) تأکید داشتند کسی که خدا را بشناسد، قطعاً نمازش با خشوع و خضوع است. کسی که خدا را بشناسد نمازش دارای خلوص است و اهل ریا و تظاهر نیست. کسی که معاد را بشناسد دیگر به دنبال گناه نخواهد رفت و راه تربیت همین است.